

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

سایت: گزارشگران

۰۴ فبروری ۲۰۱۸

از سری مصاحبه های گزارشگران با زنان مبارز تبعیدی

مصاحبه با گیسو شاکری



به این وسیله می توانستم اهداف سیاسی و خواسته هایم را به گوش دیگران برسانم . البته حدود ده سال اول دوران تبعیدم ارتباط فقط با بینندگان و شنوندگان سویدنی بود.تشکل ها و سازمانهای سیاسی سویدنی و دیگر هنرمندان و تشکل های زنان کشورهای دیگر . این فرصتی بود برای آشنا کردن غیر ایرانی ها به مسائل و وضعیت زنان ایران و افشای جنایت های رژیم خصوصاً قتل عام زندانیان سیاسی در زندانهای ایران.در این میان به عنوان یک کنجکاو غیر مذهبی به مطالعه و کار روی موسیقی و عرفان مبارز و رزمی ایرانی ونقش زنان در آن میان و تأثیر آن بر جنبش های اجتماعی هم پرداختم

جنبش زنان کشورمان در مقایسه با بسیاری از کشورهای دیگر، راهی بس دشوار و طولانی در پیش دارد. چنانچه در اغلب کشورها و به یمن مبارزات زنان و تاریخچه مبارزاتی آنها مسائلی همانند حجاب اجباری، سنگسار زنان، شلاق، تفکیک مضحک جنسیتی در اماکن دولتی و آموزشی و عمومی و بسیاری مجازات شرعی دیگر، موضوعیت خود را از دست داده است اما، زنان ایران در طی چهار دهه حاکمیت ارتجاع مذهبی، همیشه و در همه حال، با این مشکلات دست و پنجه نرم کرده اند. راههای متعددی را برای حضور بیشتر در مناسبات اجتماعی و سیاسی آزموده اند اما، همانطور که دیدیم جنبشی که قرار بود یک میلیون امضاء جمع کند و بسیار گسترده بود، با دستگیری چند فعال شناخته شده اش، تضعیف شد و به خاموشی گرائید. اگر چه با وقایع دی ماه [جدی] سال ۱۳۹۶، بار دیگر حضور رادیکال زنان در صحنه اعتراضات خیابانی محسوس و تصاویر آنان جهانی شد اما، هنوز متشکل نیست، هنوز

مطالبات ویژه زنان به طور کامل فرموله نشده است. مانیفست ویژه آنان که می بایستی صرفنظر از روند پیشرفت وقایع سیاسی سرلوحه خواستها و مطالبات این نیمه انسانی قرار گیرد، مکتوب نشده است. در این زمینه ها با فعالان این جنبش در خارج از کشور مصاحبه داریم.

از گیسو شاکری هنرمند معترض شناخته شده در تبعید می پرسیم:

گزارشگران: شما از جمله هنرمندان معترض و شناخته شده در تبعید هستید. هیچ وقت سکوت نکرده اید و فعالیت های سیاسی و هنری شما بی وقفه، ادامه داشته است. از جمله فعالان جنبش زنان هستید. از فعالیت ها و تجارب خودتان در طی چند دهه تبعید به مختصر، بگوئید.

گیسو شاکری: به عنوان یک هنرمند معترض تبعیدی در طول این سال ها، کارهای بیشماری انجام داده ام. از فعالیت های سیاسی گرفته تا کارهای گوناگون هنری و فرهنگی. این کارها اشکال گوناگونی داشته اند مانند سخنرانی، شعرخوانی، مقاله نویسی، اجرای نمایش و اجرای موسیقی و همه این ها هم، بدون استثناء، جهت گیری های روشن سیاسی داشته اند. یعنی در همه این آثار چه نوشتاری، صوتی و نمایشی خواست های سیاسی مطرح بوده و یا مطرح شده است. برای مثال هدف و محتوای آثارم در جهت افشاگری قتل عام زندانیان سیاسی، قتل های زنجیره ای، همبستگی با کارگران و دانشجویان و مسائل زنان و تلاش برای شناساندن هنر معترض در شرایط خاص اجتماعی سیاسی ایران بوده است. مختصر بگویم کارم در طول این سالها سفر از این کشور به آن کشور از این شهر به آن شهر و از این سالون به آن سالون اجراء یا در خیابانها برای اجرای برنامه با هدف افشاگری جنایات رژیم جمهوری اسلامی ایران بوده است. کوتاه سخن حاصل این سالها یک کتاب داستان برای کودکان به زبان فارسی و سوئدی است و دودفتر شعر به زبان فارسی و یک دفتر شعر به فارسی و سوئدی، یک کتاب پژوهشی در مورد زنان به زبان فارسی و دو کار تحقیقی در مورد خانواده های مهاجر به زبان سوئدی و چهل و پنج ترانه در ده آلبوم موسیقی به زبان فارسی و ترانه هائی به زبان سوئدی، شرکت در اجرای بیش از ده نمایش به زبان های فارسی و سوئدی و تهیه و اجرای چند نمایش خیابانی در کشورهای مختلف جهان، مقالات بیشمار در زمینه های مختلف فرهنگی و سیاسی و مسائل روز.

گزارشگران: شما از دوران نوجوانی خود با سیاست درگیر بوده اید. کدام انگیزه ها شما را برانگیخت؟

گیسو شاکری: بخشی از آن چه که در آن جامعه وجود داشت و مرا با سیاست درگیر کرد اختناق و سانسور، نابرابری، تفکر مرد سالارانه حاکم بر جامعه و اختلاف طبقاتی بود. به هر حال تأثیر از محیطی که در آن بزرگ و تربیت می شوی را هم نباید نادیده گرفت که خوشبختانه من این شانس را داشتم که با مسائل سیاسی و اجتماعی فرهنگی روز از طریق خانواده هم آشنا شوم و سپس به عنوان یک فعال چپ وارد اجتماع بشوم.

گزارشگران: از چه زمانی به فعالیت های سیاسی و هنری روی آوردید؟

گیسو شاکری: با وجود سانسور و اختناق و فضای مرد سالار دنیای هنر در دوران پهلوی و از آنجائی که نگاه من به مقوله هنر یک نگاه متفاوت بود ناچار خود را از دنیای حرفه ای خوانندگی و هنردور ننگه داشتم. پس از آن با برقراری فضای ضد زن و ضد هنر و ضد آزادی جمهوری اسلامی و همچنان با تفاوت نگاه من به مقوله زن، هنر و سیاست عملاً وارد کار هنری نمی توانستم بشوم. هر چند اوائل انقلاب در همخوانی دو سرود انقلابی شرکت کردم

"پیام آوران سپیده" و "هوا دلپذیر شد". ضمن این که خواننده "دایه دایه" در تمام تجمعات سیاسی با نام مستعار بودم. به هر روی با خروج از کشور و در دوران تبعید هنر و به خصوص صدایم، انتخاب اشعارم برای ترانه ها و نوع موسیقی ام بازتاب صدای درد مردم شد. مردمی که اسیر یک حکومت فاشیست مذهبی و قوانین قرون وسطایی آن هستند. به خصوص زنان که حتی پوششان و صدا و حضورشان معضل بزرگ غیر قابل حل این حکومت است. به این وسیله می توانستم اهداف سیاسی و خواسته هایم را به گوش دیگران برسانم. البته حدود ده سال اول دوران تبعیدم ارتباطم فقط با بینندگان و شنوندگان سویدنی بود. تشکل ها و سازمانهای سیاسی سویدنی و دیگر هنرمندان و تشکل های زنان کشورهای دیگر. این فرصتی بود برای آشنا کردن غیر ایرانی ها به مسائل و وضعیت زنان ایران و افشای جنایت های رژیم خصوصاً قتل عام زندانیان سیاسی در زندانهای ایران و در این میان به عنوان یک کنجکاو غیر مذهبی به مطالعه و کار روی موسیقی و عرفان مبارز و رزمی ایرانی و نقش زنان در آن میان و تأثیر آن بر جنبش های اجتماعی هم پرداختم. پس از روی کار آمدن خاتمی، سیاست فراهم کردن امکان رفت و آمد به ایران و جذب ایرانیان و استفاده ابزاری از هنر، برگزاری کنسرت ها و جشنواره ها در خارج از کشور، به قصد بزک کردن چهره منفور و جنایتکار رژیم در غرب و در میان ایرانیان، در دستور کار دولت قرار گرفت و البته این در حالی بود که زندان و شکنجه و سرکوب و کشتار دانشجویان و زن ستیزی همچنان ادامه داشت. حاصل این سیاست ها در میان بخش قابل توجهی از ایرانیان و حتی برخی از فعالان سیاسی تبعیدی، ایجاد توهم در بهبود اوضاع ایران شد. در این شرایط ضرورت ایجاد می کرد دامنه فعالیت سیاسی و هنری ام را در میان ایرانیان گسترش دهم تا شاید با افشاگری ها بتوانم مانعی برای از میان بردن توهمات که ایجاد شده بود، شوم. پس حضورم را در این جبهه پر رنگتر کردم صدایم را رساتر کردم و قلمم را تیز تر برای ادامه مبارزه علیه کلیت این نظام. که همچنان هم ادامه دارد.

گزارشگران: چرا و تحت چه شرایطی ناچار به خروج از کشور شدید؟

گیسو شاکری: سرکوب و اختناق. وقتی دیگر راهی برای ادامه زندگی برایتان باقی نمی گذارند، مگر چاره دیگری باقی ماند، جز خروج اضطراری و استقرار در مکانی دیگر برای ادامه زندگی و مبارزه.

گزارشگران: خلاف برخی تبلیغات مغرضانه که گفتمان تبعید را با خارج نشینی و رفاه طلبی، برابر می نمایند، بر ما روشن است که چنین نیست. تبعید مقوله ای چندوجهی است که می توان برای آن کتاب ها نوشت و تعاریف بسیار گسترده ای بیان کرد. از نظر شما چه پاسخی به این سمپاشی ها می توان داد و تعریف شما از این مقوله چیست؟

گیسو شاکری: مقوله خارج نشینی و رفاه طلبی داستان ما نیست. که اگر داستان ما بود که زندگیمان این نبود ما به قصد زندگی بهتر به تبعید نیامده ایم. ما به علت فشارهای سیاسی و اجتماعی به اینجا آمده ایم. از ناچاری آمده ایم و طبیعتاً نوع زندگی ما با دیگران تفاوت دارد. آن ها که برای زندگی بهتر به کشور دیگری مهاجرت کرده اند و سالی یکی دوبار هم، به ایران می روند، شکل و هدف زندگیشان با آن ها که به عنوان تبعید ناچار می شوند کشور خود را ترک کنند، تفاوت بسیار دارد. آن ها که این سمپاشی ها را می کنند، قصد دارند که با یکی به حساب آوردن این دو پدیده، از قدرت آن ها که به تبعید آمده اند و نه در پی زندگی بهتر، کم کنند. از نیروئی که فعالان سیاسی تبعیدی برای محکوم کردن و لطمه زدن به رژیم حاکم دارند، بکاهند.

این سمپاشی ها برای کم رنگ کردن فعالیت های این مبارزان است. ولی این اتفاق نمی افتد. قدرت ما، یعنی تبعیدیان، خصوصاً فعالان سیاسی نه تنها با این سمپاشی ها کم نمی شود بلکه روز به روز هم بیشتر می شود و مصمم تر از

همیشه به مبارزه خودمان ادامه می دهیم. فراموش نکنید که وجود ما در خارج از کشور و افشاگری های ما در باره اختناق و شرایط ایران بود که جنایات رژیم را برای جهانیان افشاء کرد. حضور ما فعالان سیاسی تبعیدی و شرکت در تجمعات و تظاهرات و برگزاری مراسم یادمان های قتل عام زندانیان سیاسی ، قتل های زنجیره ای ، برگزاری شب های همبستگی با دانشجویان و کارگران، افشای سنگسار ها، اعدام ها ، ترورها و قوانین ضد زن حاکم بر جامعه، نامه نگاری های مدام ما به مجامع بین المللی، حضور همیشگی مان در صحنه ، جنایات این رژیم را دائماً در رسانه ها و افکار عمومی زنده نگاه داشت. یک عده ای که گاهی نامشان را هم نمی دانیم در طول این سالها زحمت ها کشیدند و کشتارها و فجایع این حکومت بی رحم و جنایتکار را در مجامع بین المللی افشاء کردند. بنابراین، این سمپاشی ها جز خاک در چشم خود آن ها که سم می پاشند، هیچ حاصل دیگری ندارد. این سمپاشی ها کار رژیم و عواملش است از وحشت حضور این تبعیدیان فعال که از همه چیز خود گذشته اند و محکم و استوار بر باورهایشان ایستاده اند تا این رژیم را افشاء و در نهایت سرنگونش کنند.

سمپاشی را ادامه بدهند ما هم همچنان ادامه می دهیم صحنه جنگ است دیگر. تازه این اول راه است . کارمان بسیار است یکی از آنها تشکیل دادگاههای جنایت علیه بشریت است و سپس سازندگی همه جانبه آن ویرانه . بد نیست یک نکته را یادآوری کنم و آن این که هیچ کدام از این فعالیت های سیاسی ، هنری من - و ایضاً بیشماری از فعالان سیاسی تبعیدی- وسیله ای برای درآمد و امرار معاشمان نبوده و نیست. این فعالیت ها و کوشش ها رادر شرایط سخت کاری که همه ما ناگزیر هستیم برای گذران زندگی روزانه به آن بپردازیم، انجام می دهیم. وظیفه انسانی خودم می دانم به عنوان یک هنرمند که بازتاب صدای درد مردم ستم دیده ام باشم و این وظیفه به مراتب سنگین تر می شود وقتی تو بار نام هنرمند معترض تبعیدی را با خود داری . بنابراین رفاه دیگر جایی در این میان ندارد . مثلاً در حالی که ما در ماههای مرداد و شهریور برای اجرای برنامه با کوله پشتی بر دوش دور جهان می گردیم تا نگذاریم خون قتل عام شدگان دهه ۶۰ پایمال و به دست فراموشی تاریخی سپرده شود ، هنرمندان ایرانی ساکن کشور که درد و ستم مردم را باید بیش از هر کس دیگری ببینند. در این ماهها هیاهویشان برای برگزاری و اجرای کنسرت و دریافت دستمزدهای کلان در خارج از کشور به آسمان می رسد بدون این که اشاره ای به این روزهای خونین در تاریخ ایران بکنند . حال ما در رفاه هستیم!؟

ما نه جویای نامیم نه جویای نان و نه خوشگذرانی . ما درد داریم . دردمان بس سنگین است.

تا خود صبح

بر قلّه رفیع دلهره هایم

چمباتمه زده ام

و

نظاره می کنم

مردمانی را که

آسوده در خوابند

و

غبطه نمی خورم

به آسودگیشان

" از دفتر شعر داس ماه "

گزارشگران: برخی معتقدند که به مقوله هنر همانند ورزش بایستی نگاه مستقیم کرد و نباید آن را تابعی از تمایلات سیاسی دانست. به نظر شما سخن گفتن از هنر متعهد ضروری است؟

گیسو شاکری: مهمترین ابزار تبلیغ دیکتاتورها برای مشروعیت دادن و تبلیغ خودشان در مجامع بین المللی ورزش و هنر است هیتلر یکی از نمونه های بارز این پدیده است و صد البته، جمهوری اسلامی ایران. حکومت های دیکتاتوری با ارسال هنرمندان به فستیوال ها و کنسرت ها و حضور ورزشکاران در میدانهای ورزشی کارهای تبلیغی می کنند و چهره واقعی خود را می پوشانند. همان کاری که سالهای سال است عوامل این رژیم و هنرمندان دولتی و دست به مزدش انجام داده اند. بنابراین، از نظر من ورزش هم، هم پای هنر، تابعی از تمایلات سیاسی است. کم نبوده اند ورزشکارانی که در اعتراض به دولت دیکتاتور خودشان در سکوی قهرمانی حرکت های افشاگرانه و اعتراضی کرده اند و به این ترتیب جایگاه یک چهره بیرونی و ورزشکار متعهد را نشان داده اند. البته هنرنسبت به ورزش پیچیده تر و چند وجهی تر عمل می کند. چون در دسترس تر و با طیف وسیع تری از مردم سرو کار دارد. وظیفه هنرمند به مراتب سنگین تر و اثر گذار تر خواهد بود. هنرمندانی هم که در صف مقاومت و مبارزه علیه دیکتاتوری ها ایستاده بودند و ایستاده اند نیز کم نیستند. ورزشکار و هنرمند متعهد ستون های محکم مبارزه علیه دیکتاتورها هستند.

گزارشگران: شما با شبکه جنبش زنان هشت مارچ در خارج از کشور همکاری هائی داشته اید. قطعاً زنده یاد آذر درخشان از فعالان خستگی ناپذیر جنبش زنان در خارج از کشور را هم می شناسید. درباره او بگوئید.

گیسو شاکری: همراه با زنان هشت مارچ و حضورگسترده زنان آزادخواه دیگر از سراسر دنیا، کارزار زنان را بنیانگذاری کردیم، با یک تفکر واحد و با شعار "برای لغو کلیه قوانین نابرابر و مجازات های اسلامی علیه زنان متحد شویم". در سال اول هم پنج روز در باد و باران و برف و کولاک در خیابانهای اروپا راهپیمائی کردیم با یک خواست بنیادین و نه فرمیستی. خواست ما سرنگونی تمام و کمال جمهوری اسلامی ایران همراه با کلیه قوانین ضد زن تصویب شده در این رژیم بود. آذر درخشان عزیز، یکی از ستون های قدرتمند این کارزار بود. جایش در میان فعالان جنبش زنان بسیار خالیست.

گزارشگران: چرا جنبش زنان در داخل پس از تحولات سال ۱۳۸۸ به لحاظی خاموش شد آیا این جنبش به گفتمان اصلاح طلبی گره خورده است؟

گیسو شاکری: بازی بین اصلاح طلبی و بنیاد گرایی جزء ثابت این رژیم است. نزدیک به چهل سال است که این بازی سیاسی ادامه دارد. در طول این سال ها دیدیم که از میان این دو، جریان های متفاوتی شکل گرفت و به نتیجه نرسید. یک میلیون امضاء یکی از این جریانات فرمیستی زنان بود که تغییرات اصلاح طلبانه می خواست و نه لغو قوانین ضد زن. اختلاف خواست کارزار زنان با این جریانات اصلاح طلبان هم در همین بود. یعنی اختلاف بین لغو قوانین و اصلاحات جزئی در قوانین مربوط به حقوق زنان یکی از حیاتی ترین مسأله رژیم جمهوری اسلامی، وجود قوانین شریعت است که بخش وسیعی از آن مربوط می شود به قوانین ضد زن. این قوانین مگر می تواند با یک تغییر ساده نابرابری را از میان بردارد؟ طبیعی است که هر خواست فرمیستی با کوچکترین تغییر شرایط پس از مدتی ماهیت خود را نشان می دهد و طبیعتاً رو به خاموشی می رود.

همانطور که می بینیم با خیزش اخیر، شعارهای مردم به سمت نه اصلاح طلب نه اصولگرا رفت. این یعنی تغییر بنیادین. چون مردم در یافته اند که هیچ کدام از ایندو جناح حکومتی نمی توانند از اصول شریعت چشم پوشی کنند، به

عنوان مثال در مورد قوانین مربوط به زن . اصول شریعت شامل حجاب اجباری است . شامل چند همسری است . شامل حق حضانت است چه فرقی می کند ۵ سال یا ۹ سال . شامل قوانین ارث است . نفقه است . حق سفر است . سن ازدواج است ... بنابراین با تغییر یکی یا حذف حتی یکی از این موارد نمی توان امید داشت که زنان به حقوق خود و برابری برسند.

گزارشگران: قیام دی ماه [جدی] ۹۶ را چگونه ارزیابی می کنید؟

گیسو شاکری: خیلی ساده. قیام کنندگان از طبقات فرودست و تحت ستم جامعه هستند مانند، کارگران، بیکاران، معلمان، زنان، دانشجویان، بی خانمانان و مال باختگان. خواست قیام کنندگان دیماه [جدی] ۹۶، سرنگونی رژیم است و جایگزین کردن آن با حکومتی فارغ از قوانین مذهبی و اسلامی. قیام کنندگان آزادی می خواهند و نان. آن ها از هر دو جناح حکومتی اصولگرا و اصلاح طلب عبور کرده اند و این را هم، خیلی واضح، در شعارهایشان مطرح می کنند. لازم به تفسیر و توضیح هم نیست. ضمن این که قیام کنندگان از مرز شعارهای مذهبی هم رد شده اند. وقتی اعتراضات مردمی به این مرحله می رسد دیگر هیچ نیروئی نمی تواند آن را به عقب برگرداند یا متوقف کند. این جریان، مانند سیلی به پیش می رود تا بنیان این حکومت ضدبشری را در هم شکند. البته در این میان از ترفندهای زیرکانه رفرمیست ها هم نباید غافل شد که بعضاً با شعار " رفراندم این است شعار مردم " به صحنه می آیند تا شعارهای سرنگونی را به انحراف بکشانند. رفراندم پیش از سرنگونی رژیم، شعاری دولتی و بی معناست. فرو دستان و کارگران و زنان و زحمتکشان و دانشجویان و دیگر قیام کنندگان بعد از چهل سال تجربه خوب می دانند که تنها سرنگونی تمام و کمال این رژیم آن ها را به اهدافشان می رساند . برای همین شعار می دهند " مرگ بر اصل ولایت فقیه " و " جمهوری اسلامی نمی خوایم نمی خوایم " چون می دانند ولایت فقیه ستون اصلی نگهدارنده این حکومت و جناح های درونش است.

گزارشگران: چندی پیش اعتراضات سراسری در شهرهای پر تعدادی صورت گرفت که هنوز در برخی نقاط ادامه دارد. نقش زنان را در اعتراضات چگونه ارزیابی می کنید؟ حتماً تصویر زنی جوان را که به زن شجاع خیابان انقلاب شهرت یافته و تصویرش جهانی شده است، دیده اید، پیام این زن به نظر شما چیست؟

گیسو شاکری: از آنجائی که زنان تحت ستم مضاعف تاریخی قرار گرفته اند، طبیعی است که در صف اول مبارزات ضد رژیم قرار بگیرند و ما این را در هر حرکت اعتراضی می بینیم. در روزهای اول قیام دیماه [جدی] ۹۶، تصویر زنی در میان دود گاز اشک آور با مشت گره کرده، سمبل مبارزه زنان شد و پس از آن فلم هائی که زنان را در صف مقدم حرکت های اعتراضی رو در روی مأموران سرکوب نشان می داد که چه بی هراس و شجاعانه مأموران را به مصاف می طلبیدند. و بالاخره زنی که به عنوان اعتراض به حجاب اجباری ، روسری خود را به چوبی آویخته و به عنوان زن خیابان انقلاب مشهور شد. همه اینها نشان می دهد که زنان چگونه به هر شکلی که می توانند اعتراض خود شان را نشان می دهند. پیام همه این زنها طبیعتاً، اعتراض به تمام فشارها و اجبارهاست چه پوششی، چه اقتصادی، چه سیاسی، چه مدنی ، چه اجتماعی که همه این ستم ها بر پایه قوانین مذهبی در یک جمهوری اسلامی است. فراموش نکنیم که قوانین ارتجاعی و قرون وسطائی اسلامی، چه مصیبتی را سالهاست به زنان تحمیل کرده است. زنان نشان دادند که نیروئی بس عظیم برای تغییر بنیادین این نظام هستند.

گزارشگران: به نظر شما مهمترین و ابتدائی ترین مطالبات زنان کشورمان کدام است؟

گیسو شاکری: به یک کلام: آزادی و برابری.

در سال ۲۰۰۹ حداقل خواهانیم را در یادداشتی منتشر کردم. [A] این خواست ها در یک جامعه آزاد و دمکراتیک کف خواست های من به عنوان یک زن است.

گزارشگران: هشت مارچ روز جهانی زنان نزدیک است، پیام شما به زنان مبارز کشورمان چیست؟
گیسو شاکری: بعد مکان و شرایط سیاسی حاکم بر ایران است که ما زنان را از هم دور کرده است. اما یک اصل مهم وجود دارد و آن این که آگاهی بیشتر، امکان دسترسی ما را برای رسیدن به آزادی و برابری فراهم می کند. آزادی و برابری به دست نخواهد آمد جز با اتحاد و همبستگی و خستگی ناپذیری و استواری در مبارزه و در همین راستا است که هر روز ما هشت مارچ می شود.

گزارشگران

۲۰۱۸/۰۱/۲۵

[A] حداقل خواست های بدون قید و شرط من به عنوان یک شهروند

- یک حکومت جمهوری و دمکراتیک ناشی از ملت و نه حکومتی موروثی یا الهی، نژادی یا دینی
- جدائی کامل دین و مذهب از دولت، سیستم قضائی و آموزش و پرورش
- عدم به رسمیت شناختن یک دین به عنوان دین رسمی - ضمن پذیرش تمام باورها، دین ها و مذاهب بدون برتری یکی بر دیگری
- تلقی دین و مذهب و قوانین و دستورات آن به عنوان یک باور خصوصی و فردی
- تساوی کامل حقوق زنان و مردان و ممنوعیت تمام اشکال تبعیض جنسی در تمام سطوح (سیاسی، حقوقی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و خانوادگی)
- تساوی حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت های گوناگون ساکن محدوده جغرافیائی ایران با پذیرش کامل حق آن ها در تعیین سرنوشت خود
- پذیرش و رعایت مفاد کنوانسیون حقوق کودک
- آزادی کامل وبدون قید و شرط بیان و اندیشه، مطبوعات، انتشارات، رسانه های ارتباط جمعی
- آزادی کامل و بدون قید و شرط تشکیل و فعالیت حزبها، سازمانها، کانونها، شوراها، سندیکاها و انجمن ها
- آزادی تجمع، اعتصاب و تظاهرات تشکلهای سیاسی، اجتماعی، صنفی، فرهنگی، کارگری و دانشجویی و امکان فعالیت های آنها در هر شکل و در هر زمان و هر مکان
- حذف و ممنوعیت کامل اعدام، شکنجه روحی و جسمی، شلاق، سنگسار، نقص عضو و هرگونه آزار جنسی به هر شکل و در هر مکان و به هر بهانه به عنوان یکی از اشکال مجازات
- عدم وجود زندان های سیاسی
- حق آزاد انتخاب پوشش
- ممنوعیت چند همسری
- آزادی سقط جنین
- پذیرش کامل حقوق و عدم اعمال هر گونه تبعیض علیه همجنس گرایان

- . آموزش رایگان تا سطح عالی
 - . بهداشت و درمان و بیمه رایگان و همگانی
 - . تأمین هزینه زندگی در زمان تحصیل، بیکاری، اعتصاب، بیماری، از کار افتادگی، دوران بارداری
 - . حق انتخاب شدن و انتخاب کردن خود و دیگران در تمام سطح ها برای اداره مملکت بدون واسطه ارگان های تصمیم گیرنده یا تأیید و تشخیص صلاحیت از سوی ارگان های دولتی و یا برخورداری از حقوق شرعی یا الهی
 - . تشکیل دادگاه های علنی و محاکمه سران جمهوری اسلامی و تمام عواملی که در کشتارها و جنایت های سی سال گذشته فرزندان، همسران، مادران و پدران ما مستقیم یا غیر مستقیم دست داشته اند ضمن محاکمه مقامات حکومتی و ایادی آنان به جرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
 - . احترام متقابل و همکاری با کشورهای دیگر جهان برای صلح و امنیت و عدم پذیرش دخالت سیاسی و نظامی کشورهای دیگر در تعیین حق سرنوشت مردم ایران
- زنده باد آزادی و برابری
- به امید ایرانی آزاد و دموکراتیک فارغ از سانسور، زندان، شکنجه، اعدام، نابرابری، فقر و سرکوب سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
- من در کنار تمام کسانی هستم که با این خواست های انسانی و حداقل موافقت و برای رسیدن به آن ها مبارزه می کنند.
- گیسو شاکری هنرمند معترض و تبعیدی ۲۰۰۹-۰۶-۰۳